

## جوابی کوتاه به موج سوارانه شکست خورده در حزب حکمتیست

در طی چند روز اخیر اپورتونیست های شکست خورده در حزب حکمتیست ، با موضع گیری های بی پایه و اساس در مورد وضعیت و سرانجام جنبش دانشجویی دست به افترا و تهمت زده اند تا جایی که دست و پا زدن در نوشته ی رحمان حسین زاده آشکارا و عیان حاکی از این واقعیت انکار ناپذیر است.

در تمام نوشته ی رحمان یک واقعیت نمایان است، آن هم وجود و پایگاه سیاسی اجتماعی کومله و حزب کمونیست ایران است که باعث نگرانی حکمتیست ها شده ، و در این راستا نوک تیز حمله را در قبال نوشته ی " وضعیت فعلی و گام های ضروری " متوجه کومله و حزب کمونیست ایران نموده است.

به نظر من هر انسان آگاهی که مسائل و روند جنبش های اجتماعی و سیاسی را در ایران دنبال کرده و وضعیت سیاسی احزاب را مد نظر گرفته باشد بر این امر مهم کاملاً اذعان دارد احزابی امثال حکمتیست ها و بردران دو قلوبی آنها هیچ ربطی به جنبش طبقه ی کارگر، جنبش زنان و جنبش دانشجویی ندارند . نوشته ی یاد شده در وبلاگ " تریبون مارکسیسم " بحث و جدل سیاسی واقع بینانه ای را پیش روی جنبش دانشجویی قرار داده است که به یکباره سیاست ها و عمل کردهای موج سوارانه اپورتونیسمی حکمتیست ها را افشا نموده . اگر دقیقاً به نوشته ها و مواضع شان در این خصوص توجه کرده باشید در هیچ کدام از آنها هیچ تبیین سیاسی قابل تعمقی مشاهده نمی کنید. در واقع بخشی از نوشته ی یاد شد در " تریبون مارکسیسم " ناگفته های زیادی را عیان نمود که بیشتر توانست ظرفیت و حرکات آوانتوریستی آکواریوم حکمتیست ها را افشا نماید. در این نوشته به نکات بسیار با اهمیتی اشاره شده که می تواند در روند مبارزات جنبش دانشجویی مهم واقع گردد.

اگر توجه کرده باشید این احزاب بعد هر شکستی در معادلات سیاسی و تبیین های به بن بست رسیده دست به پروکاسیون های متعددی زده تا با یک تیر دو نشانه را بزنند : 1\_ شکست های پی در پی شان را توجیه می کنند تا مورد مصرف درون حزبی اعضا قرار گیرد تا آقای بهزاد جواهری ها بتوانند در دنیای مجازی اش منکر نفوذ و پایگاه سیاسی \_ اجتماعی کومله در کردستان شود . 2\_ منزوی شدن شان را در پی شکست های متداول در اتخاذ سیاست های به بن بست رسیده را استتار نمایند.

ماتریال این شکست ها ربطی به تحولات عینی حال حاضر ندارد بلکه حاصل پراکتیک سیاست ها و تاکتیک های چندین ساله است که این بار این اپیدمی شناخته شده به مانعی بر سر راه جنبش دانشجویی قرار گرفت و حاصل این روند نتایج اسفباری را متوجه جنبش دانشجویی نمود. در تزاها و موضع گیری های غیر مارکسیستی، در گرد و خاک های مقاطع گوناگون و مشی کهنه ی کمونیسم کارگری مد نظر این احزاب حاکی از این واقعیت است که ریل این گرایش فقط خود را نماینده گی کرده و نه تنها هیچ ربطی به جنبش های اجتماعی ندارند بلکه بر موج این اعتراضات می خواهند به نان و نوایی برسند. به همین دلیل است بدون توجه به ماهیت طبقاتی، توازن قوای درون جامعه ی ایران، تنها به دلیل سرمستی و عدم شناخت از اوضاع سیاسی و ظرفیت های لازم جنبش های اجتماعی بارها و بارها خود را بر مسند قدرت در راس جنبش های اجتماعی می بینند. این شیوه از مبارزه در فرهنگ سیاسی با پارامترهای اشاره شده در بالا شاخص یک حزب اپورتونیست می تواند قابل، و متعارف باشد.

وجود پایگاه سیاسی \_ اجتماعی کومه له و حزب کمونیست ایران در یک روند سیاسی و قابل تعمق با یک تاریخ زنده و شفاف در راستای جنبش های اجتماعی و برابری طلبانه در اتخاذ سیاست ها با توجه واقعیت ها ی درون جامعه، حزب آشفته حکمتیست ها را دچار هذیان گویی کرده است ، و می خواهد حزب کمونیست ایران و کومه له را به جریان ایرج آذرین ربط دهد اما این ادعای رحمان حسین زاده یک دماغوی سیاسی در روز روشن است.

لازم است رحمان حسین زاده نگاهی هر چند گذرا به سیاست ها در اتخاذ تاکتیک های حزب اش ، بحث های

متناقض کنگره ها داشته باشد یا به نوشته ی اعضایی که از حزب حکمتیست جدا می شوند توجه نماید تا بی ربطی حزب و گارد آزادی اش در مبارزات جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را مشاهده و درک نماید.

زمان بندی های ابژکتیو و سوپژکتیو در مواضع و تحلیل های بی پایه و اساس غیر مارکسیستی در ویتترین حزب حکمتیست و کپی برابر اصل اش نزد برادران ناخلف، بیان گر یک اپیدمی چند ساله و کهنه است که از ابتدای تاسیس این احزاب ، توسط ساختار درونی و بیرونی به یدک کشیده می شود، و هر روز با اتخاذ و سود بردن از این اپیدمی مواضع خرده بورژوایی را می خواهند در کلیشه ی رنگ آمیز شده در بسته بندی سوسیالیستی در یک جعبه ی سیاه قالب نماید . و در واقع در یک ریل بلانکیسمی غوطه ور شده اند.

ناصر زمانی  
2008/6/4